



درباره خودمختاری خلق های ایران

حزب توده ایران

پیوسته به این دلیل که پیگیر حقوق خلق ها و
حق خودمختاری آن ها بوده، متهم به تجزیه
طلبی شده است!

دوره هفتم، سال اول، شماره 42، شنبه 30 تیر
ماه 1358 - تک شماره پانزده ریال

این مطلبی است بر همه عیان که حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی دوران اخیر است که گفت: در ایران خلق های گوناگون مانند فارس ها، آذربایجانی ها، گردها، ترکمن ها، عرب ها و بلوچ ها زندگی می کنند. در این خلق ها آگاهی ملی اوج گرفته و نمی توان وظیفه ضرور وحدت سرزمین ایران را حفظ کرد، مگر این که همه خلق ها در این کشور با حقوق کامل و برابر زندگی کنند. حزب ما متذکر شد که در عین آن که به علت وحدت تاریخی خلق های ایران و سرنوشت مشترک سیاسی و فرهنگی آنان، پیوندهای سرشتی فراوانی مابین این خلق هاست، در عین حال آن ها با یکدیگر از جهت زبان، آداب و رسوم و مختصات قومی و روحی، تفاوت های مهمی دارند، که نمی توان و نباید نادیده گرفت. **به همین جهت حزب ما معتقد است که برای اتحاد داوطلبانه همه خلق های ایران در سرزمین واحد میهن ما، باید بر اساس حل مسئله ملی کوشید، که در کنار مسئله ارضی، کماکان از معضلات مهم جامعه است.**

صحيح ترین راه حل مسئله ملی در ایران عبارت است از موافقت با خودمختاری فرهنگی و ملی و اداری (با اختیارات مالی لازم و اقتصادی در چهارچوب نیازمندی های واحد قومی).

حزب ما بارها در اسناد خود از **دو انحراف** در مسئله ملی بر حذر داشته است:

الف - از **انحراف شووینیسم خلق بزرگ** (فارس ها)، که منکر وجود تنوع قومی در ایرانند و می گویند، در ایران همه ایرانی هستند و زبان های گوناگون تنها لهجه است و ایران باید بر اساس مرکزیت اکید و با سلطه در بست زبان و فرهنگ فارسی اداره شود. این انحراف شووینیستی را سلسله پلید سرنگون شده پهلوی با کبر و جبروت عجیبی دنبال می کرد و منظورش مستحیل کردن اجباری خلق ها در یک دیگ واحد بود و برای این منظور یک سری تدابیر موزبانه اندیشیده بود که خود، مسئله ملی و حل آن را در ایران دشوارتر از همیشه کرده است.

ب - از **انحراف ناسیونالیسم خلق کوچک**، که منکر ضرورت وحدت خلق ها در وطن واحد است و مسئله حق خلق ها در تعیین سرنوشت را به روش های جدایی گرایانه و تجزیه طلبانه می کشاند. در شرایط مشخص کنونی تاریخی، موقعی که انقلاب در معرض

تهدید شدید ضد انقلاب جهان و ایران قرار دارد، بی‌اعتنایی به سرنوشت مجموعه ایران و در درجه اول قرارداد ملی خطایی است عظیم.

حزب ما مدافع پیگیر تمامیت ارضی کشور و حق حاکمیت آن است و هرگونه جدایی طلبی را محکوم می‌کند. اما اولویت در شرایط کنونی، با تثبیت نظام انقلابی در سراسر کشور و طرد قطعی ضد انقلاب است. کسی که در این شرایط برای مسئله خودمختاری اولویت و مطلقیت قائل شود و با تمام قوا، به این بهانه، رهبری انقلاب را تضعیف کند و تحت عنوان های ظاهرالصلاح، عملاً به شوونیست های آریامهری و اربابانش کمک برساند (می‌گوییم عملاً، یعنی صرف نظر از نیت)، چنین کسی دچار انحراف ملت گرایانه و تنگ نظرانه جدی است.

حوادث در یک سلسله واحدهای قومی در ایران، که به برخوردهای خونین **گنبد** قابوس، **سنندج**، **نقده**، **مریوان**، **خرمشهر** منجر شده، حاکی از آن است که همراه با ضد انقلاب، عناصر بی‌مسئولیتی، در زیر پرچم دلپذیر «دفاع از حق سرنوشت خلق های ایران» و «حق خودمختاری این خلق ها»، در واقع آب به آسیاب ضد انقلاب می‌ریزند. به قول عرب «کلمة حق یراد به الباطل»، سخن درستی که در هدف نادرست است.

همه می‌دانند که حزب توده ایران، در بحث پیش نویس قانون اساسی، با چه پیگیری از ضرورت تامین حقوق حقه خلق های ایران دفاع کرده است. حزب ما می‌داند که در درون هیئت حاکمه، پس از انقلاب، افراد و عناصری هستند که نه به وجود خلق ها در ایران و نه به حقوق آن ها باور ندارند و همه اینها را «افسانه ای» بیش نمی‌دانند و حزب توده ایران را، به سبب قبول این واقعیت بارها به «**تجزیه طلبی**» متهم کرده اند. مسلم است که این افراد روغن در آتش می‌ریزند و با اظهارات و اقدامات بدون مسئولیت، آتش تعصب ملی را فروزانتر می‌سازند.

در واقع و نفس الامر نقشه همین است که کسانی از راست و کسانی از «چپ»، کوره ضد انقلاب را داغ تر و داغ تر کنند.

ولی رهبران جنبش های ملی در سرزمین ما، به عقیده راسخ ما، باید توجه کنند که: اولاً، آنچه که مقدم است عبارت است از وحدت عمل همه خلق های ایران، در پشتیبانی از رهبری انقلاب، به منظور به سرانجام رساندن کار ناتمام انقلاب ایران، ثانیاً، مبارزه به حق در راه تامین حقوق خودمختاری باید به شکلی انجام گیرد که دشمن مشترک، یعنی ضد انقلاب از آن بهره مند نشود،

ثالثاً، ابداً به عناصر مشکوکی که در زیر شعارهای ماوراء چپ، خود را دلسوز و مدافع حقوق خلق ها نشان می‌دهند، ولی هدف های بکلی مغایری را دنبال می‌کنند، میدان داده نشود. متأسفانه در همه واحدهای ملی این عناصر نقش آتش افروزی و منفی بازی کرده اند و می‌کنند و متأسفانه لانه های خطرناکی در این نواحی ایجاد کرده اند.

ما نگرانی خود را از وضعی که اکنون در واحدهای ملی وجود دارد و آستان درگیری های زاید و رنج خیز و خونین است، اعلام می‌داریم.

ما از رهبری انقلاب توقع داریم که تمام مساعی لازم را برای داشتن یک سیاست صحیح، که حقوق خلق های ایران را تضمین کند، بکار برد. ما می‌دانیم که خود رهبری انقلاب دچار چه اشکالات و موانعی است، ولی در عین حال به بصارت و جسارت منطقی این رهبری نیز معتقدیم.

ما از رهبران با نفوذ واحدهای ملی، از آن ها که صادقند و جز دفاع از حقوق خود هدفی ندارند، انتظار داریم که با تمام قوا از بروز تصادمات تضعیف کننده انقلاب پرهیز کنند و به تحکیم روند عمومی انقلاب در کشور بپردازند و به حل مسالمت آمیز مسئله با رهبران انقلاب و دولت بپردازند.

آیا این **نداهای هشیارانه**، که منشاء آن عشق به ایران و خلق های آن است سمع قبول خواهد یافت؟

حوادث آینده نزدیک پاسخ این سؤال نگرانی آور را بیشتر روشن خواهد ساخت. ما در گذشته بارها هشدار داده ایم و اینک، بار دیگر این هشدار را تکرار می کنیم.